

Akmyrat Gürgenli
Taryh ýlymlaryň kandidaty
Golia@rferl.org

Söweş günü

*«Myrat aýdar öz myradym,
Gepin çekmäň her namardyň,
Söweş günü asly ýadyň,
Maslahaty aýara gider.»*

Gadyrly ildeşler!

Söweş günlerinde ýörendigimizi unutmaýlyň. Bu söweş ilimiziň arnamysyny, milli mertebesini, ata-babalarymyzdan myras galan dädessurlaryny, batyrlarymyzyň jan aýaman göreşen, jan alyp, jan beren ýoluny gormakdan geçýändigini, ýüreklerimizde elmydama besläp gezeýliň. Her gepimizi, her ädimimizi ýedi ölçäp bir keseýliň. Bu hereketiň çürdepesinde Türkmen diýen ady bize beren milli dilimizi goramak durýar. Şoňa görä ene dilimize ene süýdi ýaly hormat goýaýlyň. Hokman bu dilde ýazyp, bu dilde oýşanaýlyň. Ýatsak tursak Türkmençe ruh bilen ýaşaýlyň.

Biz öz saýtlarymyzda ýa-da gazet-jurnallarymyzda parsça ýazmak bilen diňe bize duşman bolup duran dile gulluk etmekden başga peýdasy ýok. «Eýranyň çäginde ýaşaýanlar Türkmençä düşünenoklar, olara parsça ýazsak amatly bolar, üstesüne rejime we beýleki syýasy toparlara öz derdimiz düşündürmek üçin parsça ýazsak gowy bolar» diýýänler ýalňyşýarlar. Sebäbi;

1-njiden: Eger biz öz ene dilimizde ýazsak Türkmenährada ýaşayanlary bu hatda okamaga mejbur edip, dura-bara olaryň dilleriniň açylmagyna kömek etdigimiz bolar. Eger parsça ýazsak şol betbegytçylyklar gaýtalanyp durar, bizem pars diliniň has rowaç almagyna kömek etdigimiz bolar.

2-njiden: Bizi şu gara güne salan Eýran rejimi ýa-da olara garşy hereket eden bolup ýören oppozisiýon syýasatçylar dälmi? Olar dälmi biziň garşymyza günsaýyn mekirli planlar düzüp gelyän, onda nädip olara derdiňi düşündirjek. Bu diýseň gülkünç zat.

Ynha pars şounizminiň baryp 1930-njy ýyllarda, Reza şanyň döwründe biziň halkymyza garşy ýöreden aýlyganç planyndan bir mysal:



منبع: سازمان اسناد ملی ایران

Astrabadyň magaryf edarasynyň başlygynyň 1305-nji ýylyň 31-nji ordibehşt aýynda/1926-njy ýylyň 10-njy iýunynda Tahrana-içeri işler ministerligine ýollan raportynda Türkmenler hakynda gorkunç planlary tekliپ edýär. Bu raport 30 isfend tarynda registratsiýa edilipdir. Raportda agzalan gödek/paýyş sözler her zatdan ozal olaryň özlerine degişlidir:

« قسمت دیگر در حکم تسخیر روح تراکمه است. ترتیب بسط معارف در صحرا و لزوم ...

تربیت اطفال تراکمه و تبدیل زبان ترکی آنها بپارسی و تغییر دریده خونی و روح غارتگری

در صحرا اشاعت معارف و زبان پارسی علاوه بر محاسن دیگر در ... وحشت آنان است سیاست تأثیر فوق العاده مهمی دارد. آرامش ابدی یموت اگر خواسته باشیم یموتستان نشده و یا ترکمنستان خطرناک تازه تشکیل یافته روح یکجتهی پیدا نکند، تنها از راه خلع سلاح بدون تغییر روح طغیان تراکمه تعیین نمی شود، وقت آن رسیده است بوسیله تبدیل زبان ترکی به پارسی و روش دیرین را تعقیب نمایند بدین جهت در عقبه خلع سلاح ... بسط معارف دیگر مجال ندهیم برای تغییر حالت بغی و سرکشی تراکمه که از خصایص هر قبیله وحشی است باید از راه تربیت عمومی و اختلاط و امتزاج آنها با طبقات دیگر اهالی ایران اقداماتی نمود و در زمینه ترک پاره صفات و عادات آنها که علت و موجب هر بدبختی است بذل مساعی کرد. در این صحرای وسیع که تا دیروز جز طایفه مختلفه تراکمه یعنی حیوانات مؤذیه جاندارى بیش نبودند در نتیجه ایجاد مدارس مغزهای باز و کله های هوشمند تربیت خواهد شد... اگر این استعداد طبیعی با تربیت توأم شود قطعاً نتایج گرانبھائی از این قوم متوجه مملکت میگردد، چنانچه این فطانت مخصوص کسب اعمال رذیلانه شود برطبق ترتیبات زندگی عمومی و اخلاق موروثی مانند ادوار گذشته دسته های زیادی دزد خونخوار بی عاطفه بار میآیند که باز حین فرصت باندک تهیجی از خارج قوه دولت را بخود اشتغال خواهند داد.

درست دقت فرمائید زشت است در این منطقه وسیع که مسکن سیصد هزار رعیت ایران است اقلأ دویست نفر متکلم بزبان مملکتی (فارسی) نباشد و بین این دویست نفر تقریبی نیز بیست نفر نتوان شماره کرد فارسی را تحریر کنند در حالیکه لااقل هزار خانوار آنها زبان روسی را بخوبی میدانند.

با این وصف توقع ایران پرستی و وطن دوستی از آنها بيمورد و از طوایفی که همه چیزشان مغایر عادات و صفات ایرانیست است نمیشود در حدود منافع ایران بروز و ظهور اعمالی را منتظر بود که منافع معنوی و حقیقی دولت را متضمن باشد با توجه به این نکات است که ایجاد مدارس در نقاط مختلف صحرا از اهم مسائل شمرده شده... واجب است با بودجه کافی چندین باب مدرسه مجانی در کمیش تپه، خواجه نفس، آق قلعه، گنبدقابوس، اومچالی و بعد بضرورت در نقاط دیگر تأسیس شود و فعلاً پانزده نفر معلمین ایران پرست آشنا برموز سیاست غیرمأتوس بزبان ترکی از مرکز برای مدارس فوق انتخاب کردند که مطابق اصول جدیده اطفال تراکمه را تربیت کنند و یکی از موارد مواد مهم پروگرام مدارس این باشد هیچ درسی بزبان ترکی تدریس نشود خوشبختانه يك مکتب ترکی زبان هم در تمام صحرای ترکمان وجود نداشته و از این جهت سریع تر بمقصود موفقیت حاصل میگردد. بعد از ایجاد مدارس در صحرا مقتضی است پاره اطفال تجار و رؤسای آنها در عقبه اتمام دوره تحصیل ابتدائی بمرکز اعزام شوند و در مدارس طهران خصوصاً مدرسه فلاحت کسب هنر ادامه دهند تا بطور کامل چندانکه به بسط معارف و ... با وضع زندگی شهری که به تمدن نزدیکتر است نزدیک گردند

تبدیل زبان ترکی به پارسی در صحرا ابرام کرده ام برای بسیاری استرآبادی مثل رامیان و

"... حاجیلر و کوهسارات هم که ترک زبانند باید این مقصود عملی شود

1925/1304-njy ýylyň oktiýbrynda Türkmenşähra basylyp alnandan soňra Reza şa Türkmenleriň arasynda parslaşdyrma syýasatyny bar güýji bilen alyp barýar. Bu barada Türkmenistanly taryhçy Bibi Rabiýa Logaşova şeýle maglumat berýär:

« مقامات ایرانی به فارسی کردن اجباری ترکمنها آغاز کردند. همه مدارس که تدریس آنها به زبان ترکمنی بود بسته شد. بجای آنها مدارس دولتی باز کردند که در آنجا تدریس به زبان فارسی بود. شرایط تحصیل کودکان ترکمن بسیار سنگین بود. آرازیردی که پیشتر از او نام بردیم می گوید که پس از استقرار حکومت در سراسر ترکمنصحرا، زبان نامفهوم فارسی اجباری گردید. تنها پسر بچگان بودند که درس می خواندند. کودکان را برای کوچکترین خطائی سخت کیفر می دادند. برای همین بود که بسیاری از والدین، فرزندان خود را برای تحصیل به ترکمنستان شوروی فرستادند.

مقامات حکومتی می کوشیدند هرگونه و حتی کوچکترین جلوه آگاهی ملی را سرکوب کنند. به ترکمنها اجازه نمی دادند که جامه ملی بپوشند، وضعی را که در خانه به آن خو گرفته بودند، نگاه دارند، خوراکیهای خودشان را بپزند و حتی چای سبز را به سبک ترکمنی یعنی با پیاله بنوشند، آنها مجبور بودند چای معمولی و با استکاتهای کوچک بنوشند. ترکمنها را برای کوچکترین خطایی جریمه میکردند و کیفر می دادند. کمتر ترکمنی بود که از مقامات حکومتی دست کم پنجاه تازیانه نخورده باشد.

حکومت برای آنکه ترکمنها را بگونه ای قطعی به اطاعت در آورد و در عین حال سدی در برابر آنها پدید بیاورد تصمیم گرفت که چند هزار خانوار از هزاره های(بربری ها) جنگجو را به زرخیزترین بخشهای ترکمنصحرا بکوچاند. بهترین زمینهای بخش سیمرگان، همچنین امتیازات(معافیت پنج ساله از پرداخت مالیات و جز اینها) و کمک مالی به اینان وعده داده بودند.»

(ترکمنهای ایران: بی بی رابعه لوگاشوا- تهران صص ۱۴۶ و ۱۴۷)

Mekdeplerde parsça gepletmek üçin Türkmen balalaryny gaty horlaýarlar, el-aýaklaryna gamçydyr, dürre urulýar. «Bäş ýuska» obasynyň mekdebinde bolýan bu jenaýatlar barasynda çagalaryň atalary 1311-nji ýylyň nehr añ 4-nde Astrabadyň harby häkimine şykayat hat ýollapdyrlar. Bu raportyň asyl nusgasy Uly Aryk obasynyň mekdebinde saklanýar:

« مقام منبع ریاست فرمانده تیپ مستقل قشون استرآباد و صحرا دامت عظمه العالی

با کمال احترام معروض می دارد

نظر باینکه ما اینجانبان شاگردان مدرسه دولتی بشیوسقه از مدیران که آقای رونقی می باشد خیلی ظلم و ستم می بینیم. از آن وقت تا بحال در مدرسه ما داخل شد از زبان ایشان سخن نیکی نشنیدیم... هر روز دو دسته چوب از شاخه های درخت گرفته به در دفتر برای داغ شاگردان می آورد و در موقع درس خواندن اگر مانند خودش ندانیم در هر کلمه در دستمان چهار شلاق میزند و پیوسته به کلاس وارد میشود بی چوب نمی آید و از ترس آنچه را که میدانیم پادمان میرود. همیشه شغلش نسبت به شاگردان ظلم و تعدی است. لذا متمنی است نتیجه وصول قضیه مشارالیه حکم صادر و مرحمت فرمایند. امر امر مبارك است. ایام عزت برقرار باد.

نیازقلیچ، بهرام محمد، بای نظر، تایی، ایشان محمد، طواق، کریم، احمد، اوراق قلی، عبدالله، قربان، عبدالولی، جمعه، رجب، جمعه قلی، مؤمن، خوجه دردی، باباتیاز، حاجی ویسقلی، نعمت.
مراتب فوق را تصدیق می نمایم

Ýokardaky raportlary okañda şol döwürde oýlanyp tapylan mekir planlaryň şu günlerde-de bar güýji bilen dowam edýändigine şaýatlyk etmeýärimi? Söweş güni bize ýatlaryň mashalaty ters ýola gidýändir. Ýüzlerine dostlyk maskasyny dakynalary gowy tanaýlyň, olaryň ýüpleri bilen guýa girmäýliň.

Onda näme eziz galamdaşlar!

Gaýrat edeýliň tenimize siňen bu mikrobdab arassalanjak bolaýlyň. Elbetde beýle zäher mahal-mahal mende-de böwsüp çykýar we pars dilinde ýazmaga mejbur edýär.

Onda geliň pirllerimizden meded diläp mundan beýläk ene dilimizde gürläp, Türkmen dilinde ýazyp, bozaýlyň.

«Okuw gerek, hat gerek

Türkmençe mekdep gerek.

Elden giden ýerleri,

Gaýtaryp almak gerek.»

Prag-Çek jemhuriýeti

07.03.2007